رهایی از اقتصاد جنگ

انتصاری، سعید

با درآمد سرانه 2120 دلار،بانک جهانی ایران را در رده‏ کشورهایی با درآمد کمتر از میانگین جهانی طبقه‏بندی‏ نموده است.این رده‏بندی براساس نرخ‏های رسمی ارز است که بیش از ارزش واقعی،ارزش‏گذاری شده است.هر چند که برآورد نزدیک به واقع 1152 دلار می‏باشد.با این‏ حال،جمعیت زیاد ایران این کشور را به صورت با اهمیت‏ ترین بازار در منطقه درآورده است.افزون بر آن،این کشور از منابع عظیم هیدرو کربن و معاد پرارزش دیگری مانند کرومیت،مس،روی،سنگ‏های جواهر و نیز منابع‏ چشمگیر کشاورزی و آبی برخوردار است.مجموعه این‏ عوامل از نقطه‏نظر تئوری،پتانسیل لازم برای رشد قابل‏ ملاحظه صنعتی و کشاورزی را فراهم می‏آورد.

با این همه،اقتصاد میراث‏دار بار سنگین صدمات هشت‏ سال جنگ تحمیلی عراق علیه این کشور است.تهاجم‏ عراق در سال 1359 در ابتدا موجب تحریک و افزایش رشد اقتصادی با میانگین هشت درصد در سال تا سال 1364 گردید.اما ضرورت‏های جنگ دولت را مجبور به اتخاذ یک‏ سیستم مدیریت مرکزی نمود.که از پایان جنگ در سال‏ 1367 تاکنون رهایی از آن با سختی‏های بسیار همراه بوده‏ است.اتخاذ سیاست‏های انبساطی پولی و تعیین نرخ ارز به قیمتی بیش از ارزش واقعی آن و اعمال کنترل‏های‏ قیمتی و جیره‏بندی موجب پدید آمدن انحراف‏های‏ اقتصادی شدیدی گردیده است.اهداف محوری اقتصاد ایران رسیدن به خودکفایی و جانشینی واردات بوده و می‏ باشد.افزون بر آن،سراسیمگی در پرداختن به بازسازی‏ اقتصاد و ورود کالاهای مصرفی از سال 1367 که عمدتا با اعتبارات کوتاه‏مدت خارجی پرداخت شد.موجب به وجود آمدن سریع بحران و بدهی‏های خارجی ایران گردید.

برنامه پنج ساله اول

پس از پایان جنگ در سال 1367،دولت اجرای‏ برنامه‏های اقتصادی متمرکز پنج ساله را اتخاذ نمود. برنامه پنج ساله اول که دوره 69-68 تا 73-72 را پوشش می‏داد.با هدف دستیابی به متوسط نرخ رشد سالانه 8 درصد و ایجاد دو میلیون شغل طراحی گردید.نوسازی و گسترش صنایع،جلب مشارکت بیشتر بخش خصوصی و اعمال مدیریت غیر متمرکز از دیگر اهداف برنامه اعلام‏ شد.در برنامه فوق اهداف همه بخش‏های اقتصادی و تخصیص مستقیم ارز مورد نیاز برای توسعه این بخش‏ها، ترسیم گردیده بود.(از محل فروش نفت)طبق برنامه، درآمدهای ارزی و هزینه‏های کشور طی برنامه پنج ساله‏ به 119 میلیارد دلار بالغ می‏گردد.که از این مقدار انتظار می‏رفت 83 میلیارد دلار از محل فروش مواد سوختی‏ (هیدرو کربن‏ها)تامین گردد.در این برنامه میزان اعتبارات‏ خارجی 11 میلیارد دلار در نظر گرفته شده بود.اما با در نظر گرفتن وام‏های خارجی مربوط به پروژه‏ها،طی مدت پنج‏ سال این مقدار بعدا به 27 میلیارد دلار افزایش پیدا کرد.

اگرچه برنامه فوق شیوه سنگین و طاقت‏فرسایی را برای‏ برانگیختن رشد اقتصادی برگزیده بود ولی در عمل نشان‏ داد که برای ارزیابی اقتصاد برنامه سودمندی بوده است. تلاش‏هایی برای انجام برخی اصلاحات از قبیل یکسان‏ سازی نرخ ارز و خصوصی‏سازی شرکت‏های دولتی که در سال 1368 پی‏ریزی شده بود.صورت گرفت.اما این‏ تلاش‏ها در کشاکش عوامل سیاسی داخلی گرفتار آمدند و در نهایت دولت مجبور گردید برنامه اصلاحات را به تعویق‏ بیندازد.

به دلیل تورم دولت ناچار از تعدیل برنامه است

به دلیل اعتراض‏هایی که به این شیوه در طی سالهای‏ 71 و 72 اتفاق افتاد دولت در موضع انفعال قرار گرفت.در این میان،افزایش قیمت‏ها به دلیل کاهش ارزش ریال در مقابل سایر ارزها،که به دنبال سیاست اصلاح نرخ ارز پدید آمد بیشترین حجم اعتراض‏ها را به خود اختصاص‏ داد.برای کاهش فشار حضرت آیت الله خامنه‏ای رهبر انقلاب به دولت وقت دستور داد تا شیوه‏ای را برای کاهش‏ صدمات اصلاحات اقتصادی به گروه‏های فقیر بیابد.عمده‏ نظرات ایشان بر اجرای یک سیستم مالیات بر درآمد جهت‏ تحقق عدالت اجتماعی،بهبود خدمات عمومی برای‏ گروه‏های کم‏درآمدتر،تاکید بیشتر بر تخصیص وجوه برای‏ مناطق محروم کشور،گسترش تامین اجتماعی و در راستای آن بهبود کیفیت خدمات تامین اجتماعی متمرکز شده بود.این عوامل باعث گردید تا آقای رفسنجانی‏ رییس جمهور پیشین و دولت وی را به تداوم پرداخت‏ یارانه برای انرژی داخلی و کالاهای اساسی مثل گندم، برنج و گوشت ملزم نماید.

وضعیت سیاست اقتصادی‏ اهداف برنامه پنج ساله دوم

برنامه پنجساله دوم،با یکسال تاخیر در اسفند 1374 به‏ مرحله اجراء رسید.این برنامه که دوره زمانی 75-74 تا 79-78 را پوشش می‏دهد.به‏طور عمده حذف تدریجی‏ کنترل‏های دولتی را که در برنامه نخست دنبال می‏شد پیگیری خواهد کرد.اما مجلس آقای رفسنجانی رییس‏ جمهور پیشین را مجبور نمود تا نیاز به منابع مالی خارجی‏ را کاهش دهد.خصوصی‏سازی موسسات دولتی را محدود کند و تداوم پرداخت یارانه برای کالاهای اساسی را تضمین نماید.این برنامه همان هدف‏های رشد اقتصادی‏ را که در برنامه توسعه 73-68،پی‏ریزی گردیده بود به کار می‏بندد.با این تفاوت که به جای تامین پروژه‏های‏ بازسازی و توسعه ظرفیت پایه تولید،بر اصلاح شبکه‏های‏ توزیع و بخش خدمات همت بیشتری گمارده می‏شود. بنابراین انتخاب بخش‏های هدف،شکل واقع‏بینانه‏تری‏ را به خود می‏گیرد.این برنامه همچنین تاکید بیشتری بر توسعه بخش‏های فرهنگی و آموزشی دارد.

...پی‏ریزی یک راهبرد میان‏مدت منسجم

برنامه گامی اساسی به سوی یک سیاست جامع کلان‏ اقتصادی میان‏مدت که تمرکز آن بر توسعه بخش صنعت‏ از طریق نوسازی،خصوصی‏سازی،مدیریت صحیح و تجهیز منابع و ظرفیت تولیدی مطفوف شده می‏باشد. دوباره‏کاری و وجود نیروی کار ما زاد در برخی وزارتخانه‏ها کاهش یافته و در ضمن وزارت صنایع سنگین با وزارت‏ صنایع ادغام شده‏اند.یارانه‏های دولتی برای تامین‏ نهاده‏ها که از طریق نرخ ارز ترجیحی به بخش‏ها داده می‏ شد کاهش یافته‏اند.و برخی از مدیران پیش‏بینی می‏کنند که تا سال 1379 یارانه‏های دولتی فقط به برخی از صنایع‏ غذایی تعلق خواهد گرفت.برخوردی جامع‏تر نسبت به‏ پژوهش و توسعه،ترکیب پژوهش‏های دانشگاهی با طراحی صنعتی،واحدهای صنعتی را قادر ساخته به رغم‏ کاهش واردات تجهیزات و مواد اولیه با انعطاف‏پذیری‏ بیشتری به فعالیت خود ادامه دهند.برای مثال،توان‏ طراحی و وجود ظرفیت مهندسی در صنعت فولاد شیوه‏های تولید را در تغییر داده است و پیمانکاران داخلی‏ سهم بیشتری از ساخت را به خود اختصاص داده‏اند.

روی هم رفته می‏توان گفت،برنامه دوم خواهان کاهش‏ تعهدات خارجی ایران(شامل بدهی‏ها،وام‏های‏ بانک‏های تجاری،توافق‏های دو جانبه و تهاتری)از 33

اندازه بازار آغاز سال مالی اسفند 1374

 منبع: BMI

برای سالهای 76 و 77 از برآوردهای BMI استفاده شده است

میلیارد دلار به 25 میلیارد دلار طی یک دوره پنج ساله‏ می‏باشد.این برنامه که در آبان 1373 به تصویب مجلس‏ رسید.کل هزینه‏ها را 136 میلیارد دلار و درآمدهای حاصل‏ از فروش نفت را 73 میلیارد دلار در نظر گرفته است.به‏ عبارت دیگر،میانگین درآمدهای نفتی طی برنامه‏ پنجساله دوم،هر سال 6/14 میلیارد دلار می‏باشد.که به‏ نوبه خود گویای پیش‏بینی قیمت نفت به میزان 5/15 دلار برای هر بشکه است.یعنی 10 تا 5 درصد کمتر از بهایی که‏ ایران در سال 1374 و سه تا پنج درصد کمتر از قیمت نفت‏ در سال 1375،برآورد شده است.

اجرای نامطمئن

در هر صورت،به این ترتیب با اجرای برنامه گسترده‏ نوسازی اقتصادی که در کشاکش عوامل سیاسی و اقتصادی داخلی گرفتار آمده است،اعمال تحریم‏های‏ اقتصادی آمریکا در اردیبهشت 1375 موجب شعله‏ور شدن‏ بحران اقتصادی گردید.بحرانی که دولت را مجبور کرد از گام برداشتن به سوی آزادسازی خرید و فروش ارز دست‏ بکشد.آقای رفسنجانی رییس جمهور پیشین ایران، مجددا یک نرخ رسمی برای ارز اعلام نمود و به همه‏ صادرکنندگان کالاهای غیر نفتی دستور داد تا کلیه ارز حاصل از صادرات را از طریق سیستم بانکی به کشور باز گردانند.

مجازات‏های سختی برای دلالان بازار سیاه تعیین شده و به نیروهای انتظامی نیز مأموریت داده شد تا باندهای‏ قاچاق در مرزهای ایران را متلاشی نمایند.اعمال فشار بیشتر از سوی آمریکا که با اشکال تراشی و ایجاد مانع در دستیابی ایران به منابع مالی جدید خارجی همراه بود کار را سخت‏تر نمود.و بخش نفت را مجبور کرد تا واردات حیاتی‏ خود را از سایر منابع گرانتر تامین نماید.در عین حال‏ تلاش نمود تا در کار مبادله اقلامی که از تکنولوژی بالایی‏ برخوردار است میان ایران و شرکای تجاری،اروپایی و آسیای‏اش مانع‏تراشی کند.

دولت همچنین متحمل بار سنگین بدهی‏های خارجی‏ است.تعهداتی که می‏تواند انجام اصلاحات حیاتی‏ اقتصادی را تا دهه آینده به تعویق بیاندازد.برنامه‏های‏ جلوگیری از واردات،که از پیشتر به منظور ایجاد ذخیره‏ های ارزی برای بازپرداخت بدهی‏های خارجی طراحی‏ شده‏اند.تولیدات صنعتی را به دلیل کمبود مواد اولیه‏ وارداتی تا میزان 40 درصد کاهش داده است.بازپرداخت‏ بدهی‏های خارجی به میزان 5/3 تا 4 میلیارد دلار در هر سال به گونه‏ای قسطبندی شده است که تا سال 1377 ادامه یابد.این موضوع دولت را مجبور می‏کند تا واردات‏ را برای سالهای آخر این دهه همچنان محدود نگه دارد. این محدودیت می‏تواند امکان وارد شدن خسارت‏های دیر پا و ماندگار بر بخش صنعتی ایران را افزایش دهد.

همچنین اجرای بیشتر برنامه‏های خصوصی‏سازی‏ از طرف دولت نامطمئن به نظر می‏رسد.مقررات جدیدی‏ که به منظور برخورداری بیشتر طبقات کم‏درآمد از سهام‏ ارائه شده توسط شرکت‏های دولتی طرح‏ریزی شده بود در اوایل سال 1374 به صورت قانون درآمد.اما از آن زمان‏ تاکنون سهام یک شرکت عمده دولتی فروخته شده است. طبق برنامه پنج ساله دوم قرار بود 1000 شرکت دولتی‏ فروخته شوند.اما از سرگیری مجدد این برنامه به دلیل بروز بحران ارزی به تعویق افتاده است.

صندوق بین المللی پول برای اجرای اصلاحات‏ بیشتر فشار وارد می‏آورد...

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با پافشاری زیاد از دولت خواسته‏اند تا با اتخاذ مجموعه‏ای از سیاست‏های‏ بلندپروازانه تثبیت اقتصادی در شیوه بهره‏برداری از منابع‏ بومی و کیفیت مدیریت بهبود پدید آورد با این هشدار که، نرخ ارز را بدون ایراد هزینه‏های سنگین غیر مستقیم‏ نمی‏توان ثابت نگه داشت.صندوق بین المللی پول‏ یکسان‏سازی نرخ ارز را با توجه به اعمال مدیریت مبتنی‏ بر بازار نرخ‏ها چه قبل و چه پس از یکسان‏سازی پیشنهاد نموده است.این صندوق همچنین تلاش می‏کند تا رئیس‏ کل بانک مرکزی آقای نوربخش را به افزایش نرخ‏ بهره بانکی در سطحی بالاتر از نرخ تورم ترغیب نماید.

...اما دولت خواهان رویکردی تدریجی است

با توجه به مسائل اجتماعی دولت ایران انجام تدریجی و گام به گام اصلاحات را برگزیده است.احمد عزیزی قائم‏ مقام وقت بانک مرکزی در سال 1374 گفت:اصلاحات‏ اقتصادی آقای رفسنجانی با اعمال کنترل‏های بیشتری‏ دنبال خواهد شد.به گفته آقای عزیزی اصلاحات نرخ ارز به ترتیب انجام خواهد شد.آخرین محدودیتی که از سیستم ارزی برداشته می‏شود،الزام صادرکنندگان ایرانی‏ به بازگرداندن ارزهای صادراتی با نرخ‏های ثابت رسمی‏ است.عزیزی همچنین اظهار داشت:سختگیری علیه بازار سیاه ارز و قاچاقچیان تا مدتها ادامه خواهد یافت مقامات‏ رسمی با استواری تمام از دستیابی به اهداف برنامه پنچ‏ ساله دوم(کاهش نرخ تورم به نرخ میانگین سالانه 12 درصد و در عین حال دستیابی به میانگین نرخ رشد سالانه‏ پنج درصد و همچنین تداوم اصلاحات اقتصادی شامل، قیمت‏گذاری فراورده‏های پتروشیمی با نرخی واقع‏ بینانه‏تر و یکسان‏سازی نرخ ارز با اتخاذ روشی گام به گام‏ جهت تثبیت‏سازی و اصلاح ساختاری سخن می‏گویند.

به دنبال دو برابر کردن قیمت فرآورده‏های پتروشیمی در اسفند 1374 و با توجه به مجموعه تصمیم‏های فعلی بر سر قیمت داخلی نفت،افزایش 20 درصدی سالیانه قیمت‏ نفت تا سال 1379 پیش‏بینی شده است.در فروردین‏ 1375،قیمت بنزین استاندارد 20 درصد افزایش یافت. در این میان هزینه‏های پستی با 15 درصد و نرخ مکالمه‏ تلفنی با 11 درصد روبه‏رو شد.ضمن این‏که نرخ بلیت‏ پروازهای داخلی هواپیمایی ملی دو برابر شده است. مسئولین همچنین درصدد جستجوی راهی قانونی برای‏ اعمال مالیات بر ارزش افزوده بودند.ولی به نظر می‏رسد این طرح فعلا متوقف شده باشد.همچنین با این منطق که‏ هرگونه افزایش در نرخ سپرده‏های بانکی موجب افزایش‏ زیاد نرخ تورم می‏شود دولت هیچ تمایلی به افزایش آن از خود نشان نمی‏دهد.بانک مرکزی با هدف کاهش نرخ‏ رشد پول در گردش،درصد است نرخ بهره واقعی را که در حال حاضر منفی است تعدیل کند.

راه بازگشتی برای برخی دستاوردها وجود ندارد

آقای رفسنجانی در دوران تصدی پست ریاست‏ جمهوری گام‏هایی را برای پی‏افکندن یک استراتژی‏ فراگیر اقتصادی در برنامه پنج ساله دوم برداشته است. ایشان و پشتیبانان وی در گروه شش( G6 )به‏طور گسترده‏ای به خطر وابستگی ایران به درآمدهای نفتی‏ برای به حرکت درآوردن موتور توسعه اقتصادی واقف‏ هستند و به همین منظور درصدد پی‏ریزی یک اقتصاد غیر متکی به نفت می‏باشند.ایشان می‏دانند که بدون ایجاد فضای آزاد بازرگانی،کاهش نقش دولت،کشیدن نقطه‏ پایانی بر امتیازات نهادها و شرکت‏های دولتی،اتخاذ سیاست‏های بازارمدارانه و پی‏ریزی و پشتیبانی از یک‏ سیاست واقع‏بینانه نرخ ارز دستیابی به هدف فوق مقدور نخواهد بود.

به ویژه این‏که،آقای رفسنجانی نگرش کشور به‏ سرمایه‏گذاری خارجی را دگرگون ساخته است.سیاست‏ دولت نسبت به مشارکت‏های خارجی به‏طور چشمگیری‏ آزاداندیشانه‏تر شده است.این آزاداندیشی را می‏توان در امکان دسترسی بیشتر خارجیان برای سرمایه‏گذاری و پشتیبانی‏های انجام شده از سرمایه‏گذاری‏های خارجی‏ حتی در بخش استراتژیک انرژی مشاهده نمود.

ایران به کمک‏های مالی و انتقال فن‏آوری نیاز دارد.نظر به نیاز روزافزون به ترزیق مقادیر عظیم سرمایه‏های‏ خارجی انتظار می‏رود.حساسیت‏های سیاسی و ایدئولوژیکی نسبت به مشارکت‏های خارجی جای خود را به خویشتن‏داری بدهند.آقای رفسنجانی همچنین به‏ تشویق بیشتر بخش خصوصی برای مشارکت در تحقیقات به ویژه همکاری با دانشگاهها ادامه داد.دولت‏ وی بیشتر مبالغی را برای ایجاد دوره‏های دانشگاهی و آموزش‏های فنی صرف کرده بود.

سیاست مالی‏ خواست آقای رفسنجانی حذف کسر بودجه‏ است.

طی دهه 1360،هزینه‏های مالی جنگ با عراق دولت‏ وقت را مجبور کرد تا به سیاست کسری بودجه چشمگیری‏ متوسل شود.در پایان جنگ در سال 1367 حجم این‏ کسری بودجه عظیم به رقم 9 درصد GDP رسیده بود.با پایان یافتن جنگ اولویت نخست سیاست‏های آقای‏ رفسنجانی کاهش وام‏های دولت از بانک‏ها بوده است،تا از این طریق بتواند بر فشار تقاضا و کاهش تورم فائق آید. در سال 72-71 کسری بودجه به یک درصد GDP رسید و در سال 73-72 این کسری از بودجه کشور حذف گردید و در بودجه‏های بعدی نیز به‏طور رسمی تراز بین هزینه‏ها و درآمدهای دولت وجود داشته است.

در هر صورت دستیابی به عدم کسری بودجه عمومی با تردستی‏های نیز همراه بوده است.شرکت‏های دولتی، نهادها و بانک‏ها که 55 تا 60 درصد از هزینه‏های دولت را به خود اختصاص می‏دهند.کارنامه روشنی از عملیات مالی‏ خود ارائه نمی‏دهند.همین عامل،به صورت یکی از منابع‏ وجود عدم انضباطی مالی در کشور باقی مانده است.اگرچه از دیدگاه نظری این موسسات از نظر تامین منابع مالی خود گردان هستند.ولی بررسی بودجه دولت نشان‏دهنده این‏ واقعیت است که،ایجاد درآمد توسط این موسسات تنها معادل 90-85 درصد هزینه‏های خودشان می‏باشد و ما بقی باید از منابع داخلی تامین گردد.

مجلس بر اعمال کنترل‏های بیشتر پافشاری‏ می‏کند.

پیش‏نویس بودجه که توسط رئیس جمهور به مجلس‏ ارائه می‏شود و به وسیله کمیسیون‏های مختلف مجلس‏ مورد بررسی قرار می‏گیرد.پس از بحث و بررسی‏های‏ فراوان و رای‏گیری و تصویب مجلس،مراتب باید از سوی‏ شورای نگهبان که حق وتو نیز دارد تایید شود.بنابراین‏ مجلس کنترل چشمگیری بر سیاست‏های مالی که شامل‏ قدرت اصلاح پیشنهادهای دولت نیز می‏گردد دارد.طی‏ چند سال گذشته پیوسته و به‏طور روزافزونی از این قدرت‏ خود جهت تخصیص،پرداخت و افزایش یارانه‏ها استفاده‏ کرده است.در بحث بودجه سال 75-74 مجلس تاسیس‏ بنگاههای جدید دولتی را ممنوع اعلام کرد و از شرکت‏های‏ فوق نیز خواست تا دفاتر مالی خود را در اختیار بازرسین‏ مجلس قرار دهد.مجلس همچنین خرید اتومبیل و اجاره‏ هواپیما توسط بنگاه‏های دولتی را ممنوع اعلام کرد. همچنین به منظور افزایش کنترل بر هزینه‏های وزارت‏ نفت،در اقدامی بیسابقه پرداخت ارز تخصیص یافته به‏ وزارت‏خانه فوق به میزان 1/1 میلیارد دلار را به صورت‏ اقساط ماهانه مساوی تعیین نمود.از سال 74-73 مجلس از دولت خواسته است تا بدهی‏های خارجی ایران‏ را هر سال به میزان 6/1 میلیارد دلار کاهش دهد.

بودجه سال 76-75،از الگوی دو سال پیروی می‏کند. طی دو سال گذشته آقای رفسنجانی که خواهان تداوم‏ ریاضت اقتصادی است از یکسو و مجلس که افزایش‏ هزینه‏های اجتماعی را خواهان است از سوی دیگر به گونه‏ با یکدیگر کنار آمده‏اند.در ماه دی 74،آقای رفسنجانی آن‏ چه را که او بودجه(ریاضت‏کشانه)نامید از ایرانیان خواست‏ تداوم سختی‏ها را برای فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی‏ و تحریم آمریکا تحمل نمایند.وی گفت که می‏خواهد ریال را تثبیت نماید.تورم را مهار و شتاب تولید صنعتی را زیاد کند برحسب مسائل کلان اقتصادی،دولت بیشتر اولویت‏های خود را بر محور بازپرداخت بدهی‏های خارجی‏ تعدیل نموده و به منظور بهبود سطح زندگی حد مخارج‏ عمومی را افزایش داده بود.

در هر صورت در آستانه انتخابات مجلس در اسفند 1375، آقای رفسنجانی اعلام کرد.یارانه مواد خوراکی اساسی که‏ در ابتدا به 46/1 میلیارد دلار محدود شده بود به 2 میلیارد دلار افزایش می‏یابد.همانند بودجه‏های گذشته مخارج‏ میان بودجه عمومی دولت و شرکت‏ها و سازمان‏های‏ وابسته(متعلق)به دولت تقسیم شده است.صدور نفت‏ قسمت اعظم درآمدهای دولت را تشکیل می‏دهد.مخارج‏ جاری از مبالغ سرمایه‏گذاری شده پیشی می‏جوید.55 تا 60 درصد از کل بودجه به سوی صنایع دولتی سرازیر می‏شود و بانک‏ها کماکان به صورت گسترده‏ای غیر کارا عمل می‏کنند.

از سهم درآمدهای نفتی در درآمدهای دولت‏ کاسته می‏شود

از دیدگاه درآمدی سهم صادرات نفت به عنوان تشکیل‏ دهنده بخش اعظم دریافت‏های ارزی ادامه می‏یابد.اما اکنون این سهم تنها به 50 درصد از کل درآمدهای عمومی‏ رسیده که کمترین درصد از درآمدهای دولت در تاریخ‏ معاصر می‏باشد.برخلاف سال گذشته که دریافتی‏های‏ ارزی از محل فروش نفت و فرآورده‏های نفتی 5/13 میلیارد دلار تعیین شده بود.در بودجه سال 74 این میزان‏ به 27982 میلیارد ریال(99/15 میلیارد دلار)رسیده است. پیش‏بینی درآمدهای نفتی براساس بشکه‏ای 5/15 دلار بسته شده است.(اگرچه ایران در اوایل سال 1375،نفت را بشکه‏ای 16 دلار می‏فروخت).افزایش قیمت‏های واقعی‏ نفت به میزان 50 سنت در هر بشکه که از تخمین‏های‏ سال 75-74 بیشتر بود 1/15 میلیارد دلار درآمد نفتی را نصیب ایران کرد.که حدود 6/1 میلیارد دلار بیشتر از رقم‏ بودجه بود.

آقای رفسنجانی در زمان ریاست جمهوری خود قول داده، تا در شیوه جمع‏آوری مالیاتهای غیر مستقیم بهبود ایجاد نماید.اما در جمع‏آوری غیر کارآمد به‏طور سنتی نشان داده‏ است.دریافتی‏های مالیاتی پیش‏بینی شده در بودجه‏ اغراق‏آمیز بوده‏اند.طی سال بودجه‏ای 76-75 همانند سال 73 محدودیت‏های وارداتی درآمد گمرکات را کاهش‏ خواهد داد.

بودجه‏های آینده شفاف‏تر خواهد بود

اگرچه شرایط بودجه‏بندی ایران هنوز از شرایط ایده‏آل به‏ دور است با این همه،دولت به‏طور روزافزونی تمایل خود به فراهم آوردن شفافیت بیشتر در محاسبات بودجه‏ای‏ نشان داده است.این عامل امید حرکت به سوی یک‏ سیاست پولی معنی‏دار را افزایش داده است.استفاده از سیستم چند نرخی در محاسبات بودجه‏ای سال 73-72، از بین رفت و در سال پس از آن درآمدها و هزینه‏ها به‏ صورت جداگانه مورد توجه قرار گرفتند.

افزایش مخارج برای شهروندان و گسترش یارانه‏ کالاهای اساسی ممکن است در کوتاه‏مدت انتقادهایی را که به افزایش قیمت‏ها گرفته می‏شود به‏کاهد.ولی در بلند مدت تنها بر فشارهای تورمی می‏افزاید.گردانندگان‏ مجلس دوره 1379-1375،احتمالا از تداوم پرداخت‏ یارانه‏ها گسترده حمایت خواهند نمود.این حمایت‏ها در حالی صورت می‏گیرد که آقای رفسنجانی با این منطق که‏ پرداخت یارانه‏ها افراد متمول را بیشتر از ندارها منتفع‏ می‏کند،با پرداخت آن مخالفت کرده بود.با این حال مجلس‏ دوره 75-71،اسفند 1374 با هدف قطع قاچاق مواد سوختی و کاهش مصرف انرژی با دو برابر کردن قیمت‏ سوخت برای مصارف داخلی موافقت نمود و افزایش سالانه‏ 20 درصد قیمت مواد سوختی را نیز طی برنامه پنج ساله‏ دوم تعهد نموده است.

پیش‏بینی کاهش ارزش واقعی ریال به همراه چشم‏انداز نامطمئن قیمت جهانی نفت،گویای کاهش درآمدهای‏ دولت در سال 77 و 76،و درست در زمانی است که‏ بازپرداخت بدهی‏های خارجی ایران به اوج خود می‏رسد. هرچند که در این بین نیاز ارزی دولت برای بازپرداخت‏ بدهی‏های خارجی از توانایی‏های دولت برای فائق آمدن‏ بر مخارج خود خواهد کاست.

دولت نشان داده است که می‏تواند در کوتاه‏مدت از فشار واردات به‏کاهد و در این راه موفقیت‏هایی نیز به دست‏ آورده است.اما تقاضای صنعتگران و فشار مردم احتمالا دولت را ترغیب خواهد نمود تا از محدودیت‏های موجود در واردات کم کند،تراز تجاری را پایین آورد و حساب جاری را دچار کسری نماید.بودجه سال‏های آینده احتمالا از الگوی‏ هم‏آوری بین ریاضت‏های اقتصادی و مخارج اجتماعی‏ پیروی خواهد نمود.از آن جائی که خواست مجلس‏ اختصاص 5 تا 10 درصد از مخارج دولت برای کاستن از تعهدات خارجی کشور است.انتظار می‏رود در دوره‏ پیش‏بینی شده یارانه‏های ارزی کالاهای اساسی همچنان‏ ادامه یابد.

عرضه پول-میلیارد ریال

 منبع:آمارهای مالی بین المللی صندوق بین المللی پول،مارس 1996- BMI

سیاست پولی‏ از شدت اعمال کنترل بر اعتبارات کاسته‏ می‏شود.

نخستین هدف دولت در خصوص سیاست‏های پولی‏ کاستن از فشارهای تورمی می‏باشد که از هزینه‏های‏ بالای جنگی سرچشمه گرفته و از طریق وجود نقدینگی‏ بالا در اقتصاد و پرداخت یارانه‏های دولتی برای کالاهای‏ اساسی تداوم یافته است.نخست چهارچوب‏های اسلامی‏ که در سال 1372 برای سیستم بانکی وضع گردید.ایران‏ می‏تواند از ابزار نرخ بهره برای مهار تورم استفاده کند.در عوض،بانک مرکزی می‏کوشد از طریق محدود نمودن‏ وام‏های دولت از سیستم بانکی از ایجاد نقدینگی‏ جلوگیری به عمل آورد.محدودیت وضع شده بر اعتبارات‏ بخش‏ها،که ابتدا در سال 1367 به منظور کنترل تاثیرات‏ ایجاد نقدینگی اجرا شد.طبق اهداف نرخ رشد برنامه پنج‏ ساله برنامه دوم اجازه دارند باز هم افزایش یابند.انتظار می‏رود نسبت ذخایر بانک‏ها نیز در جای خود از اهمیت‏ بیشتری در سیاست پولی برخوردار شوند.در سال 71-70، حد اقل نسبت ذخیره برای سپرده‏های کوتاه‏مدت به 30 درصد افزایش پیدا کرد.در این مدت این نسبت برای‏ سپرده‏های میان‏مدت به 15 درصد کاهش یافت.

نرخ کارمزد و سود بانکی هنوز در سطح ملی برای همه‏ بانک‏ها به کار می‏رود.از نقطه‏نظر تئوری قانون به‏ بانک‏ها اجازه می‏دهد تا نرخ‏های خود را اعمال نمایند.اما از آن جایی که همه بانک‏ها دولتی هستند و هنوز قادر به‏ رقابت با یکدیگر نمی‏باشند هیچیک تاکنون نرخ‏های خود را تعدیل ننموده‏اند.نرخ بهره بانک‏ها با نرخ تورم فاصله‏ زیادی دارد و انتظار می‏رود در دوره مورد پیش‏بینی(78- 77)به همین وضع باقی بماند.در آغاز هر سال،یک نرخ‏ ثابت تضمین شده تعیین می‏شود و پس از تعیین عملکرد سالانه مبلغی نیز بر آن افزوده می‏گردد.نرخ ثابت سود سپرده در سال(74)به 14 تا 5/18 درصد افزایش یافت که‏ با نرخ تورم 20 تا 55 درصدی اعلام شده از سوی مقامات‏ رسمی طی دوره 75-69،قابل مقایسه است.بنابراین‏ تورم باعث فرسایش نرخ بازده واقعی شده است.از دیدگاه‏ کارمزد بازرگانان ایرانی می‏گویند.نرخ کارمزد می‏تواند به‏ ماهی 30 درصد نیز برسد.نرخی که می‏تواند کاملا از سرمایه‏گذاری جلوگیری کند.البته نرخ فوق هنوز از نرخ 5 درصدی بازار آزاد فاصله بسیاری دارد.

هدف بانک مرکزی ایجاد ثبات اقتصادی است

آقای محسن نوربخش از زمان تصدی پست رئیس کل‏ بانک مرکزی در شهریور 1373،تلاش نموده تا در بخش از هم‏گسیخته مالی ایران ثبات پدید آورد.اما با توجه به‏ اعمال کنترل‏های دولتی بر عملیات بانکی از اختیارات‏ بسیار محدودی برخوردار است.به رغم پشتیبانی وی از یکسان‏سازی نرخ ارز و قابلیت تبدیل ریال به سایر ارزها، با توجه به اعمال تحریم‏های امریکا و متعاقب آن کاهش‏ تدریجی ارزش واقعی ریال،وی مجبور شد برای پایان‏ دادن به سقوط ارزش ریال در اردیبهشت 1375 نرخ رسمی‏ 3000 ریال به ازای یک دلار را که کمتر از نرخ واقعی ارز در بازار است معرفی نماید.در عین حال دولت بر بازگشت‏ درآمدهای ارزی از طریق سیستم بانکی دولتی پافشاری‏ می‏ورزد.

به رغم ناخوشایندی صادرکنندگان از این قانون، نوربخش در بازگرداندن عنصر ثبات به سیاست پولی از سلف خود محمد حسین عادلی بسیار موفق‏تر بوده است. در دوران تصدی آقای عادلی،دگرگونی‏های روزمره در قوانین ارزی به صورت معضلی جدی برای برنامه‏ریزی‏ بخش بازرگانی تبدیل شده بود.